

## اخلاق در جراحی

دکتر مصطفی جابرانصاری\*

جراحی حرفه‌ایست سرنوشت‌ساز که اخلاق در آن جایگاه مهمی دارد، چرا که بیمار جان خود را که ارزشمندترین گوهر هستی اوست، چون امانتی بدست جراح سپرده و بازگشت سلامتی را طلب می‌نماید.

جراح انسانی است روشنفکر، علمی و متخصص، مسئولیت‌پذیر و هنرمند که نگاه عمیق به تاریخ تمدن و زندگی انسان‌ها دارد و در عین حال انسانی است نوع اندیش و معتقد به دستاوردهای علمی.

او را جاذبه عشق به هستی، علم، هنر، و بالاتر از همه حیات و سلامتی انسان‌ها به این کار کشانده است.

او انسان بی‌تفاوتی نیست و نگاهش به بیمار نگاهی از روی شناخت و عشق است و این عشق است که انگیزه‌ایست برای پرداختن به حرفه سخت جراحی. رابطه او با بیمار رابطه‌ای انسانی و عالمانه است.

جراحی بیش از آن که یک حرفه باشد، ترضیه روح و طلب رضای انسانهای دردمند است.

جراحی مأموریتی است که پیش از آن که دانش فنی بخواهد، انسان‌دوستی می‌طلبد. وجدان و تواضع می‌خواهد تا شهرت. شرافت می‌خواهد تا تحصیل منفعت، بردباری و مدارا با بیمار می‌طلبد تا خودخواهی و غرور.

در این وادی نباید به دنبال کسب درآمد به عنوان محور فعالیت بود. بلکه باید خود را وقف کرد.

جراحی تواضع و بزرگواری می‌طلبد، جاه‌طلبی و شهرت جوئی برای این کار آفت است. زیرا در این صورت انسانیت و بیمار تدریجاً در ذهن جراح رنگ باخته و او تنها به دنبال جراحی‌های بیشتر خواهد بود. در این مسیر چه بسا که بدون ضرورت دست به جراحی زده و جانهایی را با مخاطره و رنج مواجه کند.

جراح بیش از هر چیز امانتداری پرهیزگار است، با جان بیمار، اعضاء بدن و بافت‌های او و هر آنچه متعلق به بیمار است. در نهایت احترام، و بدور از وسوسه لذت بردن از جراحی بیشتر و وسیع‌تر رفتار می‌کند. در آزمودن روش‌هایی که در محک گذشت زمان مفید بودن خود را اثبات ننموده‌اند، به شدت پرهیزکار است. کارآزمایی بالینی را به مراکز علمی واگذار می‌نماید و خود به عنوان صرفاً یک جراح، سعی می‌نماید روش‌های نسبتاً تأیید شده را، البته با مهارت و ابتکار شخصی به بهترین وجهی به انجام برساند.

او متخصصی است که از تمام امکانات روز در کار خود بهره می‌گیرد. او مفسر و منتقد علم جراحی و قادر است در دریای بی‌کران علوم و اطلاعات، بهترین روش‌های تشخیصی و درمانی را انتخاب نماید.

او هنرمندی خلاق است و دست‌های شفابخش وی با هماهنگی کامل مغز و دانش کافی، قادرند عیوب اعضاء را برطرف نموده و عوامل مزاحم سلامتی بیمار را بزدایند.

در اعماق قلب و روح بزرگ جراح، می‌توان عشق به انسان‌های بیمار را احساس نمود. زیرا جراح انسان حساسی است. غم و شادی او با وخامت و بهبودی بیمارانش پیوند خورده است و با آنان زندگی می‌کند. با بهبودی هر بیمار روح او بزرگتر گشته و با فوت هر بیمار، بخشی از وجود او نیز می‌میرد.